



April

Theses

Vladimir Lenin

تزرهای آوریل

ولادیمیر لنین

برگردان پ.ف. ماتریالیست

تزه‌های آوریل

تزه‌های آوریل

اثر ولادیمیر لنین

ترجمه پ.ف ماتریالیست
انتشار از نشر مارکسیسم

بهار ۱۳۹۵

صدمین سالگرد انقلاب اکتبر

(شماره یکم)

۱- مطالب درون [] اضافه از مترجم است .

۲- پاورقی ها همگی از مترجم است به غیر از آنهایی که با نام نویسنده مشخص شده اند که از وی می باشد

مقدمه

من تا شبانگاه ۳ آوریل به شهر پتروگراد نرسیدم، و از این رو در نشست ۴ آوریل، توانستم گزارشی درباره وظایف پرولتاریای انقلابی ارائه بدهم، البته صرفاً از طرف خودم و با قید ناکافی بدون آمادگی.

تنها چیزی که توانستم به منظور ساده کردن کار خودم و مخالفان پرهیزکار^۱ انجام بدهم، تدارک تزه‌های کتبی بود. من آن‌ها را خواندم و متن را به رفیق تسرتلی^۱ دادم. آن‌ها را دو مرتبه به صورت بسیار آرام قرائت کردم: نخست در جلسه بلشویک‌ها و سپس در جلسه مشترک بلشویک‌ها و منشویک‌ها.

[اکنون] این تزه‌های شخصی‌ام را فقط با یادداشت‌های توضیحی مختصر، که در گزارش با تفصیل بیش‌تری بسط داده شد، به‌چاپ می‌رسانم.

از رهبران منشویسم که اهل گرجستان بود. Tsereteli, Irakly (1882-1959) - ^۱

ترها

- ۱- در رویکرد ما به جنگ_ که در دولت لووف^۲ و هم دستان به سبب ماهیت سرمایه‌دارانه این دولت مسلماً یک جنگ امپریالیستی غارت‌گرانه باقی مانده است_ کوچک‌ترین گذشتی نسبت به ”دفاع‌طلبی انقلابی“ مجاز نمی‌باشد
- پرولتاریای دارای آگاهی طبقاتی تنها به‌شرطی می‌تواند به یک جنگ انقلابی، که به راستی دفاع‌طلبی را توجیه کند، رضایت بدهد که:
- الف) قدرت به پرولتاریا و مستمندترین قشر دهقانان همسو با پرولتاریا انتقال یابد.
- ب) کلیه الحاق طلبی‌ها در عمل و نه در حرف کنار گذاشته بشود.
- ج) قطع رابطه تمام‌وکمال با کلیه منافع سرمایه داری در واقعیت عملی بشود.

از اشراف‌زادگان بزرگ روسیه که پیش از (1861 - 1925) Lvov, Prince Georgi Yevgenyevich -²

انقلاب اکتبر نخست‌وزیر کشور بود.

با در نظر گرفتن صداقتِ محرز آن بخش‌های وسیع توده‌های باورمند به دفاع‌طلبی انقلابی که جنگ را صرفاً به‌عنوان یک ضرورت می‌پذیرند و نه به‌عنوان یک وسیله کشورگشایی، و با در نظر گرفتن این حقیقت که آن‌ها به واسطهٔ بورژوازی فریب خورده‌اند؛ لازم است با نظم و دقت ویژه، سرسختی و بردباری برایشان خطاهایشان توضیح داده شود، لازم است ارتباط لاینفکِ موجود مابین سرمایه و جنگ امپریالیستی را توضیح داد و ثابت نمود که خاتمه دادن به جنگ توسط یک صلح واقعاً دموکراتیک و نه صلحی تحمیلی به‌وسیله خشونت، بدون واژگون کردن نظام سرمایه‌داری غیرممکن است.

گسترده‌ترین کمپین به‌منظور تبلیغ این دیدگاه می‌بایست در میان ارتش درون جنگ سازمان‌یابی بشود.

ایجاد اخوت

۲- ویژگی به‌خصوص وضعیت حاضر در روسیه این است که کشور از نخستین مرحله انقلاب _ که در آن به‌علت نامکفی بودن آگاهی طبقاتی و سازمان‌یابی پرولتاریا، قدرت در دست بورژوازی قرار داده شده است _ به دومین مرحله انقلاب انتقال می‌یابد، که می‌بایست [در این مرحله] قدرت در دست پرولتاریا و فقیرترین اقشار دهقانان قرار بگیرد.

این انتقال، از یک‌سو، توسط بیش‌ترین حقوق قانونی به‌رسمیت شناخته‌شده (روسیه در حال حاضر از تمامی کشورهای در حال جنگ آزادتر است)؛ از سوی

دیگر، توسط نبودِ خشونت نسبت به توده‌ها؛ و در نهایت، توسط اعتماد غیرمنطقی توده‌ها به حکومت سرمایه‌داران مشخص شده است، که بدترین دشمنان صلح و سوسیالیسم هستند.

این وضعیت منحصر به فرد [انقلابی] از ما توانمندی انطباق دادن خودمان با شرایط ویژه کار حزبی در میان توده‌های وسیع بی‌نظیر پرولتاریا را مطالبه می‌کند که در شرف آگاهی یافتن به زندگی سیاسی هستند.

۳- عدم پشتیبانی از دولت موقت؛ می‌بایست کذب بودن بی‌چون و چرای کلیه وعده‌های این دولت، به‌خصوص وعده‌های مربوط به چشم پوشی از الحاق‌طلبی‌ها، آشکار بشود. به‌جای اشاعه خیال باطل این “مطالبه” که این دولت، دولت سرمایه‌داران، از [ماهیت] امپریالیستی‌اش دست بکشد، باید ناروا بودن آن افشا گردد.

۴- مورد پذیرش قرار دادن این حقیقت که حزب ما در بیش‌تر شوراهای نمایندگان کارگران در اقلیت قرار دارد؛ تاکنون اقلیتی کوچک در برابر کلیه عناصر فرصت‌طلب خرده‌بورژوازی از سوسیالیست‌های خلقی^۳ و اس‌آرها^۴ گرفته تا کمیته سازماندهی^۵ (چخیدزه^۶ تسرتلی و سایرین)،

^۳ - Labour Popular Socialist Party (Popular Socialists) از احزاب سیاسی کشور روسیه.

^۴ - Socialist Revolutionary Party. تشکیل شده در سال ۱۹۰۲.

^۵ - Organising Committee. تشکیل شده در سال ۱۹۱۲ توسط منشویک‌ها و چند گرایش سیاسی دیگر.

^۶ - Chkheidze, Nikolai Semyonovich (1864-1926) منشویک گرجی تبار

استک洛夫^۷ و غیره و غیره_ که تسلیم نفوذ و تفوق بورژوازی شده‌اند و این نفوذ را در میان پرولتاریا گسترش می‌دهند.

باید به توده‌ها نشان داده شود که شوراهای نمایندگان کارگران تنها چارچوب مناسب برای دولت انقلابی است، و از این رو، تا زمانی که این دولت به نفوذ و تفوق بورژوازی تسلیم شده است، وظیفه ما عبارت است از ارائه توضیح صبورانه، اصولی و مکرر در رابطه با خطاهای تاکتیک‌های توده‌ها، علی‌الخصوص توضیحی متناسب با نیازمندی‌های عملی آن‌ها.

تا هنگامی که در اقلیت قرار داریم، کار ما پرداختن به انتقادکردن و توضیح اشتباهات است و در عین حال تبلیغ ضرورت انتقال کلیه قدرت دولتی به شوراهای نمایندگان کارگران را انجام می‌دهیم، تا که افراد بتوانند توسط تجربه به اشتباهاتشان غلبه کنند.

۵- نه یک جمهوری پارلمانی _ بازگشت از شوراهای نمایندگان کارگران به سوی جمهوری پارلمانی گامی به عقب خواهد بود_ بلکه جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران [صنعتی]، کارگران کشاورزی و دهقانان در سرتاسر کشور، از بالا تا پایین. برچیدن پلیس، ارتش و دیوان‌سالاری.^۸

حقوق تمامی مقامات دولتی _ کلیه کسانی که انتخابی هستند و در هر زمان قابل عزل و جایگزینی می‌باشند _ نباید بیش‌تر از دست‌مزد متوسط یک کارگر ماهر باشد.

^۷ - Yuri Mikhailovich Steklov (1873-1941)

^۸ به معنای تسلیح همگانی مردم در عوض ارتش دائمی. لنین-

۶- [برنامه ارضی]

مرکز ثقل در برنامه ارضی باید به شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی منتقل بشود.

مصادره تمامی مایملک مالکان [به سود توده‌ها].

ملی شدن تمامی زمین‌ها در کشور و رسیدگی به امور ارضی می‌بایست توسط شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی و دهقانان انجام بگیرد. سازماندهی جداگانه شوراهای نمایندگان دهقانان تهی‌دست. برقراری یک الگوی کشاورزی در هر یک از املاک بزرگ (املاک به مساحت ۱۰۰ تا ۳۰۰ دسیاتین^۹، برحسب شرایط محلی و دیگر از این قبیل و مطابق با تصمیمات نهادهای محلی) تحت کنترل و نظارت شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی و به نفع حساب جامعه.

۷- ادغام فوری تمامی بانک‌های کشور در درون یک بانک ملی یک‌پارچه، و برقراری کنترل و نظارت بر آن توسط شوراهای نمایندگان کارگران.

۸- وظیفه فوری ما "مطرح کردن" سوسیالیسم نیست، بلکه صرفاً عبارت است از قراردادن بی‌درنگ تولید اجتماعی و توزیع محصولات تولید تحت کنترل و نظارت شوراهای نمایندگان کارگران.

۹- وظایف حزبی:

الف) فراخواندن فوری کنگره حزب؛

واحد اندازه‌گیری زمین در روسیه، برابر با ۷/۲ جریب فرنگی و هر جریب فرنگی برابر با ۴۰۴۷ متر مرب-^۹

ب) تغییر برنامه حزب، عمدتاً در رابطه با:

۱. مسئله امپریالیسم و جنگ امپریالیستی.

۲. رویکرد ما نسبت به دولت و مطالبه برای یک "دولت کمون" [مانند].^{۱۰}

۳. تصحیح برنامه حداقل منسوخ شده.

۴. تغییر نام حزب.^{۱۱}

۱۰. یک انترناسیونال جدید.

ما باید ابتکار عمل در ایجاد یک انترناسیونال انقلابی _ انترناسیونالی در برابر سوسیال-شوونیست‌ها و "مرکز"^{۱۲} _ را در دست بگیریم.

به‌منظور این‌که خواننده ملتفت بشود که چرا من مخصوصاً به‌عنوان یک استثنای نادر به موضوع مخالفان پرهیزکار تأکید کردم، او را به مقایسه تزه‌های بالا با اعتراض زیر توسط آقای گلدنبرگ دعوت می‌کنم:

او اظهار داشت که لنین "در میان [شرایط] دموکراسی انقلابی بیرق جنگ داخلی را برافراشته است." (نقل شده در شماره ۵ روزنامه ی‌دینستو^{۱۳} جناب پلخائف)

¹⁰ به‌معنای دولتی که کمون پاریس نمونه اولیه آن بود. لنین -

به‌جای "سوسیال دموکراسی"، که رهبران رسمی آن در سراسر دنیا به سوسیالیسم خیانت ورزیده و به‌سوی بورژوازی گریخته‌اند -
(="دفاع‌طلب‌ها" و "کائوتسکیست‌های" متزلزل)، می‌بایست نام حزب خویش را حزب کمونیست بگذاریم. لنین

مرکز در جنبش سوسیال دموکراسی بین‌المللی، گرایشی است که مابین شوونیست‌ها (= "دفاع‌طلبی") و انترناسیونالیست‌ها نوسان می‌کند، یعنی -
کائوتسکی و هم‌پالکی‌ها در کشور آلمان، لونگه و هم‌پالکی‌ها در کشور فرانسه، چیخوزه و شرکا در کشور روسیه، توراتی و هم‌قطاران در کشور
ایتالیا، مک‌دونالد و هم‌پالکی‌ها در بریتانیا و غیره. لنین

¹³ Yedinstvo -

آیا این یک شاهکار نمی‌باشد؟

می‌نویسم، اعلام می‌نمایم و به‌طور کامل توضیح می‌دهم که: ”با در نظر گرفتن صداقتِ محرز آن بخش‌های وسیع توده‌های باورمند به دفاع‌طلبی انقلابی... با در نظر گرفتن این حقیقت که آن‌ها به واسطهٔ بورژوازی فریب خورده‌اند، لازم است با دقت و نظم ویژه، سرسختی و بردباری برای این توده‌ها خطایشان را توضیح داد...”

با این وجود، آقایانِ بورژوایی که خویشتن را سوسیال دمکرات نام نهاده‌اند _ که نه به هیچ یک از بخش‌های وسیع [توده‌ها] تعلق دارند و نه به توده‌های باورمند به دفاع‌طلبی انقلابی _ با متانت دیدگاه‌های مرا بدین‌نحو معرفی می‌کنند: ”در میان [شرایط] دمکراسی انقلابی [!!] بیرق [!] جنگ داخلی را (که از آن کلامی نه در ترها وجود دارد و نه در سخنرانی‌ام) برافراشته است(!)“

این به چه معناست؟ تفاوت این با تبلیغات بلوابرانگیز روسکایاویا در چه چیزی است؟

می‌نویسم، اعلام می‌نمایم و به‌طور کامل توضیح می‌دهم که: ”شوراهای نمایندگان کارگران تنها چارچوب مناسب برای دولت انقلابی است، و از این‌رو وظیفهٔ ما عبارت است از ارائهٔ توضیح صبورانه، اصولی و مکرر در رابطه با خطاهای تاکتیک‌های توده‌ها، علی‌الخصوص توضیحی متناسب با نیازمندی‌های عملی آن‌ها.“

با این وجود، مخالفان [پرهیزکار] داغ‌ننگ خورده، دیدگاه مرا به‌عنوان فراخواندن به ”جنگ داخلی در میان [شرایط] دمکراسی انقلابی“ معرفی می‌نمایند!

من دولت موقت را به جهت آن که برای فراخواندن مجلس مؤسسان تاریخی در آینده نزدیک یا هر تاریخ دیگری مقرر نکرده است، و برای آن که خود را به دادن وعده و وعید محدود کرده است، مورد حمله قرار دادم.

من استدلال کردم که بدون شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان، فراخواندن مجلس مؤسسان تضمین شده نیست و موفقیت آن امکان پذیر نمی باشد. و این دیدگاه به من نسبت داده شده است که مخالف فراخواندن سریع السیر مجلس مؤسسان هستم!

اگر چندین دهه مبارزه سیاسی به من نیاموخته بود که پرهیزکاری مخالفان را به عنوان یک استثنای نادر مورد ملاحظه قرار دهم، این [اظهارات] را "یاوه گویی" می خواندم.

جناب پلخائف در روزنامه اش سخنرانی مرا "یاوه گویی" خوانده است. بسیار عالی آقای پلخائف! لیکن بنگرید که در مباحثه خودتان چه اندازه ناشی، زمخت و پخمه و کندذهن هستید. اگر من در سخنرانی ام دو ساعت "یاوه گویی" ایراد کرده ام، چگونه است که صدها شنونده این "یاوه گویی" را تاب آوردند؟ علاوه بر این، چرا یک ستون کامل از روزنامه شما به گزارش "یاوه گویی" اختصاص داده شده است؟ این متناقض است، بسیار متناقض است!

البته، فغان کردن، هتاک کردن و نعره زدن بسیار آسان تر از تلاش برای شرح دادن، توضیح دادن و بهیاد آوردن آن چیزی است که مارکس و انگلس در سال

۱۸۷۱-۱۸۷۲ و ۱۸۷۵ در رابطه با کمون پاریس و دولتِ مورد نیاز پرولتاریا، گفته‌اند.

جناب پلخائف، مارکسیست سابق، ظاهراً برای بهیادآوردن مارکسیسم علاقه‌ای ندارد.

من سخنان روزا لوکزامبورگ را که در ۴ آگوست ۱۹۱۴، سوسیال دمکراسی آلمان را "لاشه متعفن" خوانده بود، بازگو کردم. و پلخائف‌ها، گلدنبرگ‌ها و هم‌قطاران آزرده شدند. از چه بابت؟ از بابتِ شوونیست‌های آلمانی، چرا که آن‌ها شوونیست نامیده شده‌اند!

این سوسیال-شوونیست‌های فلک زدهٔ روسی، سوسیالیست در سخن و شوینیست در عمل، خودشان را در هچل گرفتار کرده‌اند.